

عدالت حقیقتی است که از ابتدای تاریخ همه انسان‌ها به دنبال آن بوده‌اند. آرمانی که اگر نتوانیم همه، اما اکثر جنبش‌ها، قیام‌ها، نهضت‌ها و انقلاب‌ها، ولو در ظاهر داعی آن بسوده و تمامه‌هایی که همه پیشوایان متنبین آن را سر داده و تمام حکومت‌ها ولو در شعار با مژده آن توده‌ها را با خود همراه کرده‌اند. اما تحقق عدالت در جامعه مواعتی دارد که یکی از آن مواع یعنی فرهنگ‌اشرفیات موضوع این نوشتار است.

عدالت بخش ماهوی جامعه و دولت اسلامی
در قاموس اسلام عدالت نه یک شمار که بخشی از حقیقت جامعه و جزء لاینفک دولت، بلکه بخشی از ماهیت جامعه و دولت اسلامی است، به گونه‌ای که زوال آن از یکپاره جامعه و دولت اسلامی نفی قید اسلامیت را بدین در رقم خواهد زد؛ گوهری که نادیده گرفتنش، موجب تزلزل ثبات اجتماعی و تسکین ملت، و اجزای آن پایداری و استحکام جامعه را مستحکم خواهد کرد، همچنانکه از امیرالمومنین(ع) در کتاب تشریف فرحالرحم منقول است که می‌فرماید: «العَدْلُ قَوامُ البَریةِ و العَظْمُ بسَواءِ الرَعیةِ» یعنی: عدالت، مایه قوام و پایداری مردم و ستم و ظلم، موجب هلاک ملت است. و نیز می‌فرماید: «ثَبَاتُ اللِّوَالِ بالعَدلِ». همچنانکه در مورد سستی و ضعف دولت‌ها و حکومت‌هایی که به عدالت رفتارشان نکنند و از میان رفتن اقتدارشان می‌فرماید: «مَنْ جازَأَ وِلايَةَ رِالتِ دولَةً» و یا «مَنْ عَمَلَ بِالعَدلِ حَضَنَ اللهُ لَهَّ».

همانگونه که ذکر شد در قامت جامعه و دولت اسلامی، عدالت به عنوان بخشی مهم از ماهیت و معرف آن دو قلمداد می‌شود، بر این اساس هرآنچه که نفی این رکن ماهوی است باید طرد نشود. مسائل عدیده‌ای را می‌توان به عنوان نافی عدالت برشمرد اما آن مضلی که مسئله این سلطو واقع شده ضدی است که خود موطن بسیاری از نوافی عدالت است و آن عبارتست از: فرهنگ‌اشرفیت.

سد محکم تحقق عدالت در جامعه و دولت اسلامی



فرهنگ‌اشرفیت

اشرفیگری فرهنگی بیگانه با فرهنگ اصیل اسلامی و مخرب ارزش‌های فرهنگ دینی و منشاء بسیاری از افساد و نقیضات عدالت است. ویروسی که مخرب روحیه انقلابی- جهادی، هم در عموم جامعه و هم در خواص و سمنی مهلک در پیکره آرمان‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. اقتی که رهبر انقلاب سالیان متمادی و به طور متعدد مدیران، کارگزاران، سیاستمداران و خواص را خصوصاً و همه اقشار جامعه را عموماً از آلودگی بدان برحذر داشته‌اند و در دیدار اشیرشان با نمایندگان مجلس در کنار توصیه‌های دیگر، باز بر غالب نشدن روحیه‌اشرفیگری بر آنها تأکید کرده و برای چندمین بار «اشرفیگری» را بالای بزرگ تشکی خودخوانده افزودند: «اگر خلق‌خوی اشرفی قوی سبک زندگی ما شد، حرکات و تصمیم‌گیری‌ها و زمینه‌سازی‌های مثبت آن، با جایگاهش تناسب واقعی و دلگرم‌کننده ندارد. خطاب‌های رهبری در طول سال‌های اخیر این مسئله را با یخویی نشان می‌دهد. عملکرد این شورا در مسائل مهمی چون تعیین روش‌های دانشگاه‌ها و سند ۲۰۲۰-۲۰۲۵ و مشابه این مسائل، از غفلت‌ها و گاه از کوتاهی‌های آن حکایت دارد.

علل مختلفی باعث افت کارآمدی و تأثیرگذاری این نهاد مهم که سر و کارش با موضوع گسترده و بسا اهمیت فرهنگ به معنای اعم آن - یعنی سبیک زندگی اسلامی - ایرانی و حفظ باورها و ارزش‌های اسلام ناب محمدی(ص) و مقابله با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی دشمنان ژرف‌بسی است - شده است. از جمله این علل می‌توان به متغیر بودن اغلب اعضای حقوقی این شورا اشاره کرد که رفت و آمد دولتی‌ها به طور طبیعی در عدم سامان یافتگی و عهد گیری صحیح مباحث شسورا، اثر گذار است. علت عدم این است که ترکیب اعضای شسورا، اغلب صیغهٔ آموزشی اعم از مقاماتی و شیعی دارد در حالی که گسترش فرهنگ و ابزارها و شیوه‌های جدید، ایجاب می‌کند این ترکیب، گستره‌ای متناسب با موضوعات و حوزه‌های فعال در عرصه فرهنگ عمومی پیدا کند.

یکی از علل دیگر ناآرامی‌ها، بالا بودن سنّ و تسکوت دادن حوزه‌های علمیه و علما در این شورا است که با توجه به نقش برجسته آنان در فرهنگ کشور، با توجه به محورهای فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

چند پیشنهاد برای افزایش کارآمدی و تأثیرگذاری شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورد توجه و اعتماد و امید حضرت امام خمینی(ره)، حضرت امام خنامه‌ای و اهالی فرهنگ و مردم انقلابی و منتدین ایران زمین است. جایگاه رفیع آن‌که در آراه و چپه قانونی بودن مصوبات می‌باشد، قابل تردید و تشابه با دیگر نهادهای نیست. لیکن عملکرد این شورا با وجود حرکات و تصمیم‌گیری‌ها و زمینه‌سازی‌های مثبت آن، با جایگاهش تناسب واقعی و دلگرم‌کننده ندارد. خطاب‌های رهبری در طول سال‌های اخیر این مسئله را با یخویی نشان می‌دهد. عملکرد این شورا در مسائل مهمی چون تعیین روش‌های دانشگاه‌ها و سند ۲۰۲۰-۲۰۲۵ و مشابه این مسائل، از غفلت‌ها و گاه از کوتاهی‌های آن حکایت دارد.
علل مختلفی باعث افت کارآمدی و تأثیرگذاری این نهاد مهم که سر و کارش با موضوع گسترده و بسا اهمیت فرهنگ به معنای اعم آن - یعنی سبیک زندگی اسلامی - ایرانی و حفظ باورها و ارزش‌های اسلام ناب محمدی(ص) و مقابله با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی دشمنان ژرف‌بسی است - شده است. از جمله این علل می‌توان به متغیر بودن اغلب اعضای حقوقی این شورا اشاره کرد که رفت و آمد دولتی‌ها به طور طبیعی در عدم سامان یافتگی و عهد گیری صحیح مباحث شسورا، اثر گذار است. علت عدم این است که ترکیب اعضای شسورا، اغلب صیغهٔ آموزشی اعم از مقاماتی و شیعی دارد در حالی که گسترش فرهنگ و ابزارها و شیوه‌های جدید، ایجاب می‌کند این ترکیب، گستره‌ای متناسب با موضوعات و حوزه‌های فعال در عرصه فرهنگ عمومی پیدا کند.
یکی از علل دیگر ناآرامی‌ها، بالا بودن سنّ و تسکوت دادن حوزه‌های علمیه و علما در این شورا است که با توجه به نقش برجسته آنان در فرهنگ کشور، با توجه به محورهای فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۱- افزایش از اعضای حقوقی دولتی و تقنینی و شورا و شورای اعضا ثابت در آن.
۲- افزایش اعضای حقوقی به تناسب گسترهٔ موضوعی آموزش فرهنگ و حوزه‌های مختلف آن.
۳-فائل شدن شرط سنی و تعداد دوره‌های حضور اعضا حقیقی در شورا.

۴- بر رسمیت شناختن و دعوت از اعضا ناظر به تعامیم مباحث شورا.
۵- شرکت دادن حوزه‌های علمیه و علما در این شورا با توجه به نقش برجسته آنان در فرهنگ کشور.
با توجه به محورهای فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:
۱- افزایش اعضای حقوقی شورا و دارای حق رأی

طبقات و عموم جامعه تأثیر گذار و باعث فرهنگ‌سازی می‌شود، در بدنه جامعه سرایت کرده و باعث شکل گرفتن یک سبیک زندگی می‌شود. حال این سبک زندگی جدید که می‌آینده‌ای از رفتارها و نماندهای اشرفیت و لاچگری، دنبیلطبی، راحت‌طلبی، بی‌دغدگی نسبت به دیگر اقشار و طبقات مستضعف، چشم‌چشم‌چی و دیگر خصیصه‌های مادی است در تمامی سطوح جامعه نفوذ کرده و حتی اقشار ضعیف را نیز در خود غرق می‌کند به گونه‌ای که حتی خانواده‌های که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، خود را ملزم می‌چارد که از این سبک زندگی تبعیت کند از این رو برای مثال وقتی می‌خواهد مراسم عروسی فرزندش را برگزار کند و یا مهمانی بگیرد، خود را مجبور به تبعیت از نماندها و قوانین سبک‌اشرفایی می‌داند و اینگونه می‌شود که فرهنگ مخرب اشرفیات تنها در همین مثال مذکور سرآغاز تبعات و ناهنجاری‌های بسیاری چون بدهکاری‌های کم‌رشدکن، بالا رفتن سنن ازدواج به دلیل موانع کاذب و وجود آمده توسط سبک زندگی اشرفیات مثل جهیزیه‌های اجتنابی، مهریه‌های بالا، هزینه‌های بسیار گران سرامسات عقد و عروسی و… و در پی آن ترویج فساد و بی‌بند و باری به دلیل بالا رفتن سن ازدواج و دهها و بلکه صدفاهه مشکل دیگری می‌شود. این نمونه یکی از صدها نمونه پامپال شدن عدالت توسط اشرفیابگری است که سبب محرومیت عده کثیری از یک حق طبیعی یعنی ازدواج است و خود نو بخوان حدیث مفصل از این محمل…

همانگونه که ذکر شد در قامت جامعه و دولت اسلامی، عدالت به عنوان بخشی مهم از ماهیت و معرف آن دو قلمداد می‌شود، بر این اساس هرآنچه که نفی این رکن ماهوی است باید طرد نشود. مسائل عدیده‌ای را می‌توان به عنوان نافی عدالت برشمرد اما آن مضلی که مسئله این سلطو واقع شده ضدی است که خود موطن بسیاری از نوافی عدالت است و آن عبارتست از: فرهنگ‌اشرفیت.

فرهنگ اشرفیت

*** اشرفیگری فرهنگی بیگانه با فرهنگ اصیل اسلامی و مخرب ارزش‌های فرهنگ دینی و منشاء بسیاری از افساد و نقیضات عدالت است. ویروسی که مخرب روحیه انقلابی- جهادی، هم در عموم جامعه و هم در خواص و سمنی مهلک در پیکره آرمان‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.**

صورت مستضعفانه و در مدیران، سبایسون و صاحبان قدرت به صورت خلیه سلطه‌گرانه و خودپرترینانه، به وجود آمدن معضل افتازدگی و همچنین به وجود آمدن مفاسد اقتصادی در این طبقه به دلیل نبود نگاه آمانت دارانه به سنسولیت و خود را فراتر از قوانین و مردم پنداشتن، در نوه زده بود که شکل بد اخلاقی، نزاع‌ها و درگیری‌های لفظی و فیزیکی، رفتارهای پر خاشخگرانه در محیط‌های کاری و خوادگی… و ظاهر می‌شود.(صلاح روحیه برتری طلبی اولویت دنیای سیاست و تعاملات اجتماعی، داود مؤذنبیان، کیهان، مورخ، ۵۱۹۲/۱۳۹۱)

اشرفیت و مسئولین

«از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را خنثی کرده است، نمود اشرفیگری در مسئولان ایالات است. همانگونه که پیشتر ذکر شد، اشرفیت در بطن خویش حامل نوعی تکبر، عود و خود برتریست است، همچنین موطن صفاتی چون دنبیلطی، انحصارگرایی، قدرت‌طلبی، ثروت اندوزی، بی‌دغدگی نسبت به مستضعفین و نیز می‌تواند



داود مؤذنبیان

*** نگاهی به وضعیت کنونی جامعه به روشنی اختلاف طبقاتی را نشان می‌دهد که محصول سبک زندگی اشرفایی است. در حالی که اقشاری از جامعه حتی از حداقل‌های زندگی محرومند و با بیکاری، سوء تغذیه، تَجَرَد اجباری، مشکل رهن و اجاره‌های سنگین و صدها مشکل دیگر دست به گریبانند، برخی از مسئولین و گروهی دیگر از مردم غرق در ثروت‌های بباد آورده و زندگی‌های لاچگری، بر خودروهایی لوکس سوار شده و در برج‌ها و ویلاهای مجلل چند میلیاردی اقامت دارند!**

نامطلوب اقتصادی و معیشتی محروم باشند در حالی که عده‌ای نجومی بگیر یا در گرده مردم گذاشته روز به روز قدرتی می‌شوند.اشرفایی‌گری مسئولین و نوکیسه‌های تازه به دوران رسیده یکی از زمینه‌های مهم نارضایتی‌های مردمی است که از حداقل‌ها بر خوردار نیستند، پادمان تپود که این انقلاب، انقلاب مستضعفین و پابرهنگان بوده و هست، مبادا به سبب بی‌توجهی مسئولین به این فشر مظلوم و همیشه در صحنه این احساس در آنان پدید آید که انقلاب به اسم آنان و به کام سرمایه‌داران می‌برد دست تمام شده.

نماندهای اشرفیت در دولت

در پایان لازم است متذکر این مهم شد که رسیدن به مرحله سوم انقلاب یعنی تشکیل دولت اسلامی که همواره مورد تأکید و تدفغه رهبر انقلاب بوده متوقف بر اموری است که یکی از اساسی‌ترین آنها از بین رفتن خوی‌اشرفیت در مسئولین و مبارزه قاطعانه با این خصلت ناپسند و در پی آن اجرای عدالت اجتماعی است. خوی اشرفیابگری کلان‌دار تضاد با ماهیت دولت اسلامی است. در قامت دولت اسلامی دنبیلطی، سرمایه‌داری و تجملات تنها جایگاهی ندارد که مسئولین آن این خصیصه‌ها را در شان و منزلت خویش نمی‌بینند تا بخواهند به سمت آن گزینشی پیدا کنند. کافی است نگاهی به ساختمان‌های دولتی اعم از مجلس ریاست‌جمهوری و… و نیز منازل برخی از مسئولین و همچنین مخارج هنگفتی که از بیت‌المال در این ساختمان‌ها می‌شود مثل هزینه‌های چند میلیونی برای نمآکاری دستشویی در مجلسی که باید دفعه‌اش رسیدگی به وضع محرومین باشد و یا هزینه‌های بسیار بالا تنها برای ساخت استخر و سونا در نهاد ریاست‌جمهوری انداخت تا فاصله آنچه که در آن قرار داریم با آنچه باید بدان برسیم در پرابلیسم البته این تجملات و ولخرجی‌ها جدای از اصل بناهاست که خود آن ساختمان‌های مجرّج‌ها و تجملاتی نمادی از اشرفیات است. آیا از کسی که به محض نهد گرفتن سکان قوه مجریه وارد ساختمانی مجلل به اسم نهاد ریاست‌جمهوری(بخوابید کاخ ریاست‌جمهوری) می‌شود می‌توان انتظار درک مستضعفین جامعه را داشت؟ وزیری که در دفتر مجلل و ساختمان‌های شیک بر صندلی گرم و نرم و راحت وزارت تکیه زده هیچگاه درد آن کارت خواب و قیقری را که بر زمین سفت و سخت، ناچار است سوز سرمای جوان‌های سرسخت غرور ثروت با خودروهای گران‌قیمت در خیابان‌ها را یکی دیگر از مظاهر ایجاد نامتی روانی در جامعه برشمرد و تأکید کرده بودند: نیسروی انتظامی باید برای ابعاد مختلف نامتی برنامه داشته باشد و با آنها مقابله کند این در شان حکومت اسلامی و جامعه دینی نیست که شعاع خارج و به قلمرو عنینت وارد می‌شود که خوی کاخ نشینی و اشرفیابگری از بیکره دولت و سبایسون و مدیران دودده و مزین به صفت ساده زمستی و روحیه انقلابی شوند.

چند پیشنهاد برای افزایش کارآمدی و تأثیرگذاری شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورد توجه و اعتماد و امید حضرت امام خمینی(ره)، حضرت امام خنامه‌ای و اهالی فرهنگ و مردم انقلابی و منتدین ایران زمین است. جایگاه رفیع آن‌که در آراه و چپه قانونی بودن مصوبات می‌باشد، قابل تردید و تشابه با دیگر نهادهای نیست. لیکن عملکرد این شورا با وجود حرکات و تصمیم‌گیری‌ها و زمینه‌سازی‌های مثبت آن، با جایگاهش تناسب واقعی و دلگرم‌کننده ندارد. خطاب‌های رهبری در طول سال‌های اخیر این مسئله را با یخویی نشان می‌دهد. عملکرد این شورا در مسائل مهمی چون تعیین روش‌های دانشگاه‌ها و سند ۲۰۲۰-۲۰۲۵ و مشابه این مسائل، از غفلت‌ها و گاه از کوتاهی‌های آن حکایت دارد.
علل مختلفی باعث افت کارآمدی و تأثیرگذاری این نهاد مهم که سر و کارش با موضوع گسترده و بسا اهمیت فرهنگ به معنای اعم آن - یعنی سبیک زندگی اسلامی - ایرانی و حفظ باورها و ارزش‌های اسلام ناب محمدی(ص) و مقابله با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی دشمنان ژرف‌بسی است - شده است. از جمله این علل می‌توان به متغیر بودن اغلب اعضای حقوقی این شورا اشاره کرد که رفت و آمد دولتی‌ها به طور طبیعی در عدم سامان یافتگی و عهد گیری صحیح مباحث شسورا، اثر گذار است. علت عدم این است که ترکیب اعضای شسورا، اغلب صیغهٔ آموزشی اعم از مقاماتی و شیعی دارد در حالی که گسترش فرهنگ و ابزارها و شیوه‌های جدید، ایجاب می‌کند این ترکیب، گستره‌ای متناسب با موضوعات و حوزه‌های فعال در عرصه فرهنگ عمومی پیدا کند.
یکی از علل دیگر ناآرامی‌ها، بالا بودن سنّ و تسکوت دادن حوزه‌های علمیه و علما در این شورا است که با توجه به نقش برجسته آنان در فرهنگ کشور، با توجه به محورهای فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

چند پیشنهاد برای افزایش کارآمدی و تأثیرگذاری شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورد توجه و اعتماد و امید حضرت امام خمینی(ره)، حضرت امام خنامه‌ای و اهالی فرهنگ و مردم انقلابی و منتدین ایران زمین است. جایگاه رفیع آن‌که در آراه و چپه قانونی بودن مصوبات می‌باشد، قابل تردید و تشابه با دیگر نهادهای نیست. لیکن عملکرد این شورا با وجود حرکات و تصمیم‌گیری‌ها و زمینه‌سازی‌های مثبت آن، با جایگاهش تناسب واقعی و دلگرم‌کننده ندارد. خطاب‌های رهبری در طول سال‌های اخیر این مسئله را با یخویی نشان می‌دهد. عملکرد این شورا در مسائل مهمی چون تعیین روش‌های دانشگاه‌ها و سند ۲۰۲۰-۲۰۲۵ و مشابه این مسائل، از غفلت‌ها و گاه از کوتاهی‌های آن حکایت دارد.
علل مختلفی باعث افت کارآمدی و تأثیرگذاری این نهاد مهم که سر و کارش با موضوع گسترده و بسا اهمیت فرهنگ به معنای اعم آن - یعنی سبیک زندگی اسلامی - ایرانی و حفظ باورها و ارزش‌های اسلام ناب محمدی(ص) و مقابله با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی دشمنان ژرف‌بسی است - شده است. از جمله این علل می‌توان به متغیر بودن اغلب اعضای حقوقی این شورا اشاره کرد که رفت و آمد دولتی‌ها به طور طبیعی در عدم سامان یافتگی و عهد گیری صحیح مباحث شسورا، اثر گذار است. علت عدم این است که ترکیب اعضای شسورا، اغلب صیغهٔ آموزشی اعم از مقاماتی و شیعی دارد در حالی که گسترش فرهنگ و ابزارها و شیوه‌های جدید، ایجاب می‌کند این ترکیب، گستره‌ای متناسب با موضوعات و حوزه‌های فعال در عرصه فرهنگ عمومی پیدا کند.
یکی از علل دیگر ناآرامی‌ها، بالا بودن سنّ و تسکوت دادن حوزه‌های علمیه و علما در این شورا است که با توجه به نقش برجسته آنان در فرهنگ کشور، با توجه به محورهای فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورد توجه و اعتماد و امید حضرت امام خمینی(ره)، حضرت امام خنامه‌ای و اهالی فرهنگ و مردم انقلابی و منتدین ایران زمین است. جایگاه رفیع آن‌که در آراه و چپه قانونی بودن مصوبات می‌باشد، قابل تردید و تشابه با دیگر نهادهای نیست. لیکن عملکرد این شورا با وجود حرکات و تصمیم‌گیری‌ها و زمینه‌سازی‌های مثبت آن، با جایگاهش تناسب واقعی و دلگرم‌کننده ندارد. خطاب‌های رهبری در طول سال‌های اخیر این مسئله را با یخویی نشان می‌دهد. عملکرد این شورا در مسائل مهمی چون تعیین روش‌های دانشگاه‌ها و سند ۲۰۲۰-۲۰۲۵ و مشابه این مسائل، از غفلت‌ها و گاه از کوتاهی‌های آن حکایت دارد.
علل مختلفی باعث افت کارآمدی و تأثیرگذاری این نهاد مهم که سر و کارش با موضوع گسترده و بسا اهمیت فرهنگ به معنای اعم آن - یعنی سبیک زندگی اسلامی - ایرانی و حفظ باورها و ارزش‌های اسلام ناب محمدی(ص) و مقابله با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی دشمنان ژرف‌بسی است - شده است. از جمله این علل می‌توان به متغیر بودن اغلب اعضای حقوقی این شورا اشاره کرد که رفت و آمد دولتی‌ها به طور طبیعی در عدم سامان یافتگی و عهد گیری صحیح مباحث شسورا، اثر گذار است. علت عدم این است که ترکیب اعضای شسورا، اغلب صیغهٔ آموزشی اعم از مقاماتی و شیعی دارد در حالی که گسترش فرهنگ و ابزارها و شیوه‌های جدید، ایجاب می‌کند این ترکیب، گستره‌ای متناسب با موضوعات و حوزه‌های فعال در عرصه فرهنگ عمومی پیدا کند.
یکی از علل دیگر ناآرامی‌ها، بالا بودن سنّ و تسکوت دادن حوزه‌های علمیه و علما در این شورا است که با توجه به نقش برجسته آنان در فرهنگ کشور، با توجه به محورهای فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۱- افزایش از اعضای حقوقی دولتی و تقنینی و شورا و شورای اعضا ثابت در آن.
۲- افزایش اعضای حقوقی به تناسب گسترهٔ موضوعی آموزش فرهنگ و حوزه‌های مختلف آن.
۳-فائل شدن شرط سنی و تعداد دوره‌های حضور اعضا حقیقی در شورا.
۴- بر رسمیت شناختن و دعوت از اعضا ناظر به تعامیم مباحث شورا.
۵- شرکت دادن حوزه‌های علمیه و علما در این شورا با توجه به نقش برجسته آنان در فرهنگ کشور، با توجه به محورهای فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورد توجه و اعتماد و امید حضرت امام خمینی(ره)، حضرت امام خنامه‌ای و اهالی فرهنگ و مردم انقلابی و منتدین ایران زمین است. جایگاه رفیع آن‌که در آراه و چپه قانونی بودن مصوبات می‌باشد، قابل تردید و تشابه با دیگر نهادهای نیست. لیکن عملکرد این شورا با وجود حرکات و تصمیم‌گیری‌ها و زمینه‌سازی‌های مثبت آن، با جایگاهش تناسب واقعی و دلگرم‌کننده ندارد. خطاب‌های رهبری در طول سال‌های اخیر این مسئله را با یخویی نشان می‌دهد. عملکرد این شورا در مسائل مهمی چون تعیین روش‌های دانشگاه‌ها و سند ۲۰۲۰-۲۰۲۵ و مشابه این مسائل، از غفلت‌ها و گاه از کوتاهی‌های آن حکایت دارد.
علل مختلفی باعث افت کارآمدی و تأثیرگذاری این نهاد مهم که سر و کارش با موضوع گسترده و بسا اهمیت فرهنگ به معنای اعم آن - یعنی سبیک زندگی اسلامی - ایرانی و حفظ باورها و ارزش‌های اسلام ناب محمدی(ص) و مقابله با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی دشمنان ژرف‌بسی است - شده است. از جمله این علل می‌توان به متغیر بودن اغلب اعضای حقوقی این شورا اشاره کرد که رفت و آمد دولتی‌ها به طور طبیعی در عدم سامان یافتگی و عهد گیری صحیح مباحث شسورا، اثر گذار است. علت عدم این است که ترکیب اعضای شسورا، اغلب صیغهٔ آموزشی اعم از مقاماتی و شیعی دارد در حالی که گسترش فرهنگ و ابزارها و شیوه‌های جدید، ایجاب می‌کند این ترکیب، گستره‌ای متناسب با موضوعات و حوزه‌های فعال در عرصه فرهنگ عمومی پیدا کند.
یکی از علل دیگر ناآرامی‌ها، بالا بودن سنّ و تسکوت دادن حوزه‌های علمیه و علما در این شورا است که با توجه به نقش برجسته آنان در فرهنگ کشور، با توجه به محورهای فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۱- افزایش از اعضای حقوقی دولتی و تقنینی و شورا و شورای اعضا ثابت در آن.
۲- افزایش اعضای حقوقی به تناسب گسترهٔ موضوعی آموزش فرهنگ و حوزه‌های مختلف آن.
۳-فائل شدن شرط سنی و تعداد دوره‌های حضور اعضا حقیقی در شورا.
۴- بر رسمیت شناختن و دعوت از اعضا ناظر به تعامیم مباحث شورا.
۵- شرکت دادن حوزه‌های علمیه و علما در این شورا با توجه به نقش برجسته آنان در فرهنگ کشور، با توجه به محورهای فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۱- افزایش از اعضای حقوقی دولتی و تقنینی و شورا و شورای اعضا ثابت در آن.
۲- افزایش اعضای حقوقی به تناسب گسترهٔ موضوعی آموزش فرهنگ و حوزه‌های مختلف آن.
۳-فائل شدن شرط سنی و تعداد دوره‌های حضور اعضا حقیقی در شورا.
۴- بر رسمیت شناختن و دعوت از اعضا ناظر به تعامیم مباحث شورا.
۵- شرکت دادن حوزه‌های علمیه و علما در این شورا با توجه به نقش برجسته آنان در فرهنگ کشور، با توجه به محورهای فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

صفحه ۸
شنبه ۵ تیر ۱۳۹۷
۱۲ شوال ۱۴۳۹ - شماره ۲۱۹۲۷

مروری بر خاطرات زلزله سال ۶۹ در شمال کشور درس‌هایی که از اولین تجربه زلزله در سازه‌های شهری ایران گرفتیم

آخرین روز پایانی بهار ۱۳۶۹ بود. ساعت از نیمه پانصد گذشته بود که زلزله‌ای به مقیاس ۷/۴ ریشتر استان‌های گیلان و زنجان را لرزاند. در این زمین‌لرزه شهرهای رودبار و منجیل و لوشان و روستاهای همجوار آنها و زنجان در ناحیه طارم علیا تخریب شدند. ۲۸ سال از این حادثه‌تکان‌دهنده می‌گذرد، به همین مناسبت در ایام سالروز این زمین لرزه خاطرات عبدالرضا اربابی؛ مسئول هماهنگی عملیات در ستاد مرکزی زلزله استان‌های گیلان و زنجان را مرور می‌کنیم. عبدالضا اربابی که در حال حاضر در کسوت یک بازنشسته با تجربه- به عنوان مشاور و مدرس مدیریت بحران و امور امدادی- با سازمان جمعیت هلال احمر همکاری دارد، با توجه به تجارب ۲۲ ساله کلان عملیاتی امداد و نجات؛ از زلزله استان‌های گیلان و زنجان به عنوان حادثه‌ای در سطح ملی یاد می‌کند و می‌گوید: در شکل ساختاری جمعیت هلال احمر اگر حادثه‌ای رخ دهد تمام عوامل سازمان نیروهای عملیاتی در قالب امداد و نجات محسوب می‌شوند، باید گفت در حادثه زلزله شمال کشور تمام نیروهای سازمان در تهران و استان‌های دیگر بسیج شدند و در تیم‌های مختلف به منطقه بحران‌زده اعزام شدند.

اربابی درباره حال و هوای نیروهای امداد در آن روزها اظهارداشت: سال ۱۳۶۹ به تاریکی از مسایل جنگ تحمیلی و بمباران شهری که توان ضاعفی را از نیروهای امدادی گرفته بود، فارغ شده بودیم و من به عنوان رئیس بخش تحقیقات به دنبال برنامه‌ریزی امور نیروهای داوطلب از جنگ برگشته بودم و همچنین چند صبحایی بود که مسایل مربوط به امور آزادگان و خانواده‌هایشان را پشت سر گذاشته بودیم که یکی از بزرگترین زلزله‌های دنیا به روایت تاریخ اتفاق افتاد. وی که اهل خرمشهر و ساکن تهران است و اولین تکان‌های زمین‌لرزه را در تهران تجربه کرده بود، ادامه داد: جمعی چاهتی ۱۹۹۰ به نیمه شب با تکان‌های شدید متوجه زلزله شدیم. طبق اعلام مرکز ژئوفیزیک زلزله تهران ۵ ریشتر محاسبه شد.تمام دلهره و کاوس ما از زلزله تهران بود. اولین کاری که انجام دادم از تلفن عمومی سر خیابان با کشیک ۲۴ ساعته سازمان جمعیت هلال احمر تماس گرفتیم. سازمان هنوز از محل قطعی زلزله اطلاعی در دست نداشت اما با حسن و گمان‌هایی اطلاعات اولیه بیشتر شمال کشور را نشانه رفته بود.

در آن روزها که از شبکه تلفنی وسیع و ارتباطات همراه و فعالیت شبکه‌های مجازی خبری نبود تا در کوتاه‌ترین زمان خبر زلزله خاموش رودبار و منجیل منتشر شود، عبدالرضا اربابی در بحران‌های کلان چون زلزله شمالی هماهنگی و بیسیسم و پیچیدگی به دیگر مراکز هلال احمر در سطح استان‌های دیگر بود. این مسئول امداد نجات درباره ارتباط گیری در این حادثه می‌گوید: ساعت یک و نیم بود که با کشیک استان‌ها به خصوص استان‌های شمالی تماس گرفتیم و ساعت چهار صبح بود که روی استان‌های گیلان و زنجان متمرکز شدیم.

معمولاً موسسه ژئوفیزیک و سازمان لرزه‌نگاری و به تبع آن وزارت کشور دو الی سه ساعت پس از حادثه محل زلزله را اعلام می‌کند. اربابی در این باره می‌گوید: تا ۴ صبح اطلاعاتی که به سازمان می‌دادند؛ کانون زلزله را شهر دیلمان اعلام می‌شد. در اولین اقدام سازمان جمعیت هلال احمر نیروهای امداد و نجات استان مازندران و شهرستان‌ها را خبر کردیم و در نهایت متوجه شدیم در استان مازندران هم لرزش‌هایی احساس شده اما آسیب چندانی به وجود نیامده؛ پس تمام نگاه ما متمرکز بر روی استان‌های گیلان و زنجان شد. بلافاصله با معلوم شدن محل حادثه تمام مسئولین سازمان فراخوان شدند. آن زمان خود مرحوم دکتر وحید دستجردی؛ رئیس جمعیت هلال احمر و دکتر محمد پرهام رئیس وقت سازمان هم آمدند. همان شب مسئولین از تهران، کرج و مازندران راهی منطقه زلزله‌زده شدند. یادش به خیر همان شب مرحوم دفتری معاون امداد و نجات استان مازندران، با گروهش به محل زلزله اعزام شدند.با توجه به اینکه شبکه موبایی آن زمان وجود نداشت و تنها شبکه اطلاع‌رسانی فقط از طریق بیسیم بود؛ در نتیجه مطلع شدیم شبکه تلفنی شهرهای رودبار و منجیل و لوشان از شبکه تلفنی قطع شده است. تیمی که از رشت به این شهرها روانه شد با مشکل راش و ریزش کوه مواجه شد. همچنین تیم تهران هم مشکل راش بود. امکان عبور سریع و نقشه‌ای به این شهرها نبود. در واقع مشکل دو چندان شده بود. تیم‌های نجات و امداد هلال احمر با در دست گرفتن تجهیزات و وسایل نجات پای پیاده رهسپار محل حادثه شدند.



اربابی با اشاره به اینکه زلزله استان‌های گیلان و زنجان اولین تجربه زلزله در سازه‌های شهری در ایران بود، می‌افزاید: ما با یک زلزله شدید از نوع سازه‌های مدرن شهری مواجه بودیم چون تا کنون بیشترین تخریب و آسیب زلزله را در بافت‌های روستایی دیده بودیم و از همه مهمتر ابزار مقابله با این حادثه در این وسعت وسیع را نداشتیم و باید با همان سبک و سیاق سنتی گذشته تمام توان خود را می‌گذاشتیم. ما به شرکت و سختی دو نیروه پیاده خود را به محل حادثه رساندند؛ تقریباً ده‌ها صبح تمام می‌شدیم.

وی با اشاره به اطلاعات غلط اول محل زلزله، ادامه داد: تقریباً ۶ ساعت طول کشید تا نیروهای جمعیت هلال احمر به محل حادثه برسند. در این مدت خود مردم بومی شهرها به دنبال عزیزانشان، هر چه در توان داشتند گذاشته بودند. جمعیت هلال احمر رودبار و خانواده آنها دچار آسیب شده بود. بیمارستان شهر آسیب زیادی خورده بود . همه جا با خاک یکسان و شیرازه شهر از هم گسیخته بود؛ تقریباً در یک کادام همه چیز ک فیکون شده بود.

این امدادگر باسابقه که در روز سوم حادثه به همراه سه نفر از نمایندگان و کارشناسان بین‌المللی فرانسویون و جمعیت‌های هلال احمر و صلیب سرخ در منطقه رودبار و منجیل حضور یافته بود، می‌گوید: از تور شنیده بودم چه بحران روسیعی در منطقه حاکم است اما روز سوم که در فرار منطقه با هلی کوپتر به همراه تیم بین‌المللی فرانسویون هلال احمر و صلیب سرخ به پرواز درآمدم؛ تازه به عمق فاجعه ای پردم. منطقه تماماً کوهستانی و کاملاً صعب‌العبور، سکونت‌گاه‌ها تقریباً در ارتفاعات قرار داشت؛ دسترسی به مناطق زلزله‌زده سخت بود. از همه درناکتر زلزله و راش زمین چند روستا را از زیر آوارهای خاک مدفون کرده بود. برای اولین بار منطقه وسیعی از چندین شهر به خصوص صدها روستا کاملاً از بین رفته بود.

اربابی، زلزله استان‌های گیلان و زنجان را از چنانی نقطه عطف سازمان جمعیت هلال احمر ایران دانسته و می‌گوید: این زلزله با وسعت وسیع و حضور ۶۵ کشور مختلف با تجهیزات مدرن امداد و نجات؛ باعث جرش سازمان را یک تکفر سنتی در این نجات به تکفر نوین و علمی شد. برای اولین بار در چرخه‌ای باز شد تا با تجهیزات کشورهای دیگر آشنا بشویم . باید گفت اگرچه حضور ۶۵ کشور دنیا بعد از ۷۲ ساعت طولانی موجر نتو واقع نشد اما حضور این کشورها در امر خدمات چون سیستم تسخیه اب و تبدیل آب رودخانه به آب شرب و همچنین برپایی بیمارستان صحرایی و درمانگاه‌ها کوچک در نقاط مختلف بحران و نیز کمک‌های نقدی و غیر نقدی قابل توجه بود.

وی حضور ۶۵ کشور در امدادرسانی این زلزله را یکی از بزرگترین استفاده‌های بزرگ تاریخ دانست و عنوان کرد: این کشورها در زمینه تجهیزات به سگ‌های تجسس زنده یاب و سیستم‌های پیشرفته نجات چون ابزارهای پیشرفته ای که به راحتی منابع سازه‌های شهری نظیر تیرآهن و میلگرد را برش یا قطع می‌کردند، مجهز بودند. تازه در این نقطه بود که سازمان جمعیت هلال احمر ایران احساس کرد باید به سمت استفاده از ابزار و تجهیزات نوین و علمی برود. این تحول و تکفر سنتی در این نجات به تکفر نوین و علمی شد. برای اولین بار در چرخه‌ای باز شد تا با تجهیزات کشورهای دیگر آشنا بشویم . باید گفت اگرچه حضور ۶۵ کشور دنیا بعد از ۷۲ ساعت طولانی موجر نتو واقع نشد اما حضور این کشورها در امر خدمات چون سیستم تسخیه اب و تبدیل آب رودخانه به آب شرب و همچنین برپایی بیمارستان صحرایی و درمانگاه‌ها کوچک در نقاط مختلف بحران و نیز کمک‌های نقدی و غیر نقدی قابل توجه بود.

وی با اشاره به قاعده و ساختار کلی سیستم نظامی و امنیتی منطقه زلزله‌زده تا ده روز اولیه بحران، ادامه داد: هر بازمادندگان حادثه تحمل می‌کردند، قابل توصیف نیست در روز سوم دیگر به دنبال اسان زندهای نبودیم مگر اینکه معززه‌ای رخ می‌داد. روز سوم صبح هلال احمر با فراخوان نیروهای امدادی استان‌ها با عنوان استان‌های معین به دنبال سامان دادن وضعیت و شرایط ناایمنان و آشناتن آراگان زلزله بود. بعد از این چند روزی که مردم زلزله‌زده به آب و غذا و خواب توجه نمی‌کردند، باید حورمت حلال احمر قرار می‌گرفتند. بعد از این زمان اگر به اوضاع اسکان و معیشتی مردم زلزله‌زده توجه نمی‌شد، فاجعه ثانویه اتفاق می‌افتاد چون استرژ و اضطراب جامعه زلزله‌زده بالا می‌رفت. بنابراین بلافاصله با وزارت کشور هماهنگ شدیم و همه جمعیت‌های هلال احمر را با همه تجهیزات چادر و غذا و… به منطقه فرا خواندیم.جمعیت هلال احمر استان‌های غربی، متولی مناطق زلزله‌زده قزوین و زنجان و بنیبه تیم‌های امداد و نجات هلال احمر به سمت گیلان بسیج شدند.

وی با اشاره به قاعده و ساختار کلی سیستم نظامی و امنیتی منطقه زلزله‌زده تا ده روز اولیه بحران، ادامه داد: هر بازمادندگان حادثه تحمل می‌کردند، قابل توصیف نیست در روز سوم دیگر به دنبال اسان زندهای نبودیم مگر اینکه معززه‌ای رخ می‌داد. روز سوم صبح هلال احمر با فراخوان نیروهای امدادی استان‌ها با عنوان استان‌های معین به دنبال سامان دادن وضعیت و شرایط ناایمنان و آشناتن آراگان زلزله بود. بعد از این چند روزی که مردم زلزله‌زده به آب و غذا و خواب توجه نمی‌کردند، باید حورمت حلال احمر قرار می‌گرفتند. بعد از این زمان اگر به اوضاع اسکان و معیشتی مردم زلزله‌زده توجه نمی‌شد، فاجعه ثانویه اتفاق می‌افتاد چون استرژ و اضطراب جامعه زلزله‌زده بالا می‌رفت. بنابراین بلافاصله با وزارت کشور هماهنگ شدیم و همه جمعیت‌های هلال احمر را با همه تجهیزات چادر و غذا و… به منطقه فرا خواندیم.جمعیت هلال احمر استان‌های غربی، متولی مناطق زلزله‌زده قزوین و زنجان و بنیبه تیم‌های امداد و نجات هلال احمر به سمت گیلان بسیج شدند.

وی با اشاره به قاعده و ساختار کلی سیستم نظامی و امنیتی منطقه زلزله‌زده تا ده روز اولیه بحران، ادامه داد: هر بازمادندگان حادثه تحمل می‌کردند، قابل توصیف نیست در روز سوم دیگر به دنبال اسان زندهای نبودیم مگر اینکه معززه‌ای رخ می‌داد. روز سوم صبح هلال احمر با فراخوان نیروهای امدادی استان‌ها با عنوان استان‌های معین به دنبال سامان دادن وضعیت و شرایط ناایمنان و آشناتن آراگان زلزله بود. بعد از این چند روزی که مردم زلزله‌زده به آب و غذا و خواب توجه نمی‌کردند، باید حورمت حلال احمر قرار می‌گرفتند. بعد از این زمان اگر به اوضاع اسکان و معیشتی مردم زلزله‌زده توجه نمی‌شد، فاجعه ثانویه اتفاق می‌افتاد چون استرژ و اضطراب جامعه زلزله‌زده بالا می‌رفت. بنابراین بلافاصله با وزارت کشور هماهنگ شدیم و همه جمعیت‌های هلال احمر را با همه تجهیزات چادر و غذا و… به منطقه فرا خواندیم.جمعیت هلال احمر استان‌های غربی، متولی مناطق زلزله‌زده قزوین و زنجان و بنیبه تیم‌های امداد و نجات هلال احمر به سمت گیلان بسیج شدند.

توجه و ذکر نکات مهم و تجربه‌های تلخ و شیرین حوادث طبیعی همچون زلزله نامفطور که بیان شد می‌تواند باعث افزایش کارآمدی نیروهای امدادی و پشتیبان در حوادث مشابه باشد. البته با وجود اینکه تا کنون در حوادثی که در سال‌های پس از زلزله مهیب شمال کشور در ایران به وقوع پیوسته این تجربه‌ها ارزشمند باعث افزایش کارایی امدادرسانی به هموطنان شده است، بازهم می‌تولید در کشوری چون ایران که یکی از پر حادثه‌ترین ایلیجه‌ها از لحاظ حوادث طبیعی است این تجربه‌ها و درس‌های مهم بیش از پیش توسعه‌سولان، سازمان‌های امدادی و خود مردم مورد توجه جدی قرار گیرد.

توجه و ذکر نکات مهم و تجربه‌های تلخ و شیرین حوادث طبیعی همچون زلزله نامفطور که بیان شد می‌تواند باعث افزایش کارآمدی نیروهای امدادی و پشتیبان در حوادث مشابه باشد. البته با وجود اینکه تا کنون در حوادثی که در سال‌های پس از زلزله مهیب شمال کشور در ایران به وقوع پیوسته این تجربه‌ها ارزشمند باعث افزایش کارایی امدادرسانی به هموطنان شده است، بازهم می‌تولید در کشوری چون ایران که یکی از پر حادثه‌ترین ایلیجه‌ها از لحاظ حوادث طبیعی است این تجربه‌ها و درس‌های مهم بیش از پیش توسعه‌سولان، سازمان‌های امدادی و خود مردم مورد توجه جدی قرار گیرد.

اجتماعی

Etjtemae @kayhan.ir

^[1] اشرفیگری فرهنگی بیگانه با فرهنگ اصیل اسلامی و مخرب ارزش‌های فرهنگ دینی و منشاء بسیاری از افساد و نقیضات عدالت است

^[2] اشرفیگری فرهنگی بیگانه با فرهنگ اصیل اسلامی و مخرب ارزش‌های فرهنگ دینی و منشاء بسیاری از افساد و نقیضات عدالت است